کاندید اکادمیسین سیستانی ۲۰۲۲ /۵/۱۷

برش هایی ازگزارش تفتیش قندهار بقلم شاه امان الله

در بهار سال ۱۳۰۴ ش اعلیحضرت امان الله شاه تصمیم گرفت تا از مکاتب، شفاخانه، مستوفیت، و کلیت اوضاع اداری، اجتماعی، صحی، واقتصادی ونظامی قندهار شخصاً تفتیش نموده و اشخاصی را که در اجرای قوانین بدرستی کار کرده اند مورد نوازش وتقدیر قرار دهد وآنهایی را کوتاهی کرده اند مجارات نماید. دراین سفرعلیا حضرت سراج الخواتین والدهٔ پادشاه که نسل بالنسل قندهاری ومنسوب به خاندان شاغاسی خیل بارکزائی بود نیز بمعیت شاه عازم قندهار گردید.

گزارش سفرواجراآت شاه را پوپلزائی از قول خود اعلیحضرت از روی رسالهٔ تفتیش قندهار اقتباس نموده ودرکتاب خود (سلطنت امان الله شاه(صفحات ۳۲۹تا۳۹٤)ثبت کرده است. در مقدمه رساله شاه چنین آمده است: **«چونکه ازخدمت بوطن بالاتر عشقی ندارم واین مسلک را نخبهٔ آمال خود میشمارم لذا استفاده از موقع را بغرض تأمین امور وطن عزیزم افغانستان و تهیهٔ طرق بختیاری ملت محبوبم افغانیان همه وقت ملحوظ داشته ، خواسته ام بمعونه ایزدی نهضت ومراتب عظمت افغانیه بسرعت ممکنه بساحهٔ وجود اید.»**(ص ۱)

«تصمیم گرفتم تا به بینم مامورین دولت چه گونه نظامات موضوعه را که بصرف نور بصرو خوردن خون جگر ترتیب وتدوین شده بساحهٔ اعمال و اجرا گذارده ادای وجیبهٔ ذمه نموده اند و افراد تبعهٔ صادقه ام تا کجاها آرامش خود شان فائز آمده اند چه معلوم است اگر حکم نظامنامه ها فقط در حجاب قوه مانده بصحنهٔ فعل درنیاید بجای نفع ضرر زاید و عوض امنیت خطر.باین عزم اولاً تفتیش ایالت قندهار را مطمح نظر قرار داده به شش بجهٔ روز یکشنبه ۱۸میزان ۱۳۰۴ ش[۱۱ اکتوبر ۱۹۲۵] بارفقای تفتیش خویش یعنی معین های وزارت و مصاحبان حضور رهسپار آنصوب گشتم . شب اول را بکلات بسر کرده فردای آن به چهار بجه عصر وارد قندهار گردیدم، یک کروه به شهرمانده بود که از موتر فرود آمده براسپ سوار شدم چه اهالی در بیرون شهر آمادهٔ پذیرائی بودند. از طرز پذیرائی و ابراز احساسات زنده وپراز مسرت قندهاریان خیلی محظوظ گشتم چه اسلوب پذیرائی شان بسیط و ساده و منزه از آلایشات متصفانهٔ رسمیه بوده فقط یک محبت خالصانهٔ بی ساخته از وجنات همه بروز میکرد. من اینگونه پذیرائی را طبعاً خیلی دوست میدارم و از تهاجم اهالی که عدهٔ شان بالغ برسی هزار بود و نعره های خوش آمدید آنها و دست بوسی های شان نتوانستم به نطقی که آرزو داشتم بپردازم. بعد ورود به شهر نخستین بزیارت خرقهٔ مبارکه شتافته از تشرف بآن اثر نجاح و سعادت مسعود وبیک تاثر ورأفت خارقه مقرون گردیدم ، سپس بارگ قندهار که مامورین وخوانین آنجا بعزم ملاقات حضور داشتند رفتم و اوشان را مخاطب کرده از عرض مسافرت خویش چنین تبئینات دادم:

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

مقصدم از این آمدن به قندهار ساعت تیری و تفریح نیست بلکه چون قندهار ازمتبرکترین شهرهای افغانستان ویک جای مقدس شمرده میشود، این عاجز در ان بقسم فال نیک بغرض زیارت خرقهٔ شریفه وخبر گیری حالات حقیقی اینجا آمده ام.در این ضمن کاری که مینمایم خبرگیری از احوال مامورین، معلومات از صورت اجراآت شان بوده میخواهم خوبتر از طرز رفتار وحسن وقبح کردار آنها کسب استحضار نمایم، ازین جهت است که از هر دائره وهرشعبه یک یک وکیل با خود آورده ام. بعد تفتیش ومعلومات هرکدام از شما حضرات سزاوار هرچیزیکه بود، مورد آن خواهد گردید. هرچند راضی نیستم تکلیفی بمامورین بدهم ویا اوشان را در نظر عموم تحقیر نمایم اما چون اشخاصی را از ملت عزیزم که برخلاف امر شما رفتار می کند مجازات می کنم لابد شما را نیز در صورتیکه برخلاف قوانین دولت ونقطهٔ نظر حکومت در آزار وپریشانی ملت محبوبم دست اذیت دراز کرده باشید باید تحت بازخواست بگیرم.

البته اشخاصیکه رفتار خوب ننموده از قوانین موضوعه ومطالب مهمهٔ حکومت صرف نظر کرده اند زیر بازخواست می آیند ولی برعکس ذواتیکه اجراآت خوب ومرغوب نموده باشند بایست کاملاً از طرف من مطمئن بوده بآفرین وتحسین من امیدوار واز مجازات وبازخواست من خود را محفوظ پندارند چه گفته اند:

توپاک باش برادر مدار ازکس باک زنند جامهٔ ناپاک گازران برسنگ

انشاءالله تعالی من عاجز ورفقایم سراز فردا [سه شنبه (۲۰) میزان ۱۳۰٤ش]، به تفتیش مامورین واخذ نتیجه از اجراآت وکار روائی های تان شروع خواهم کرد ولاجرم در نتیجه با کسی که خوب کار کرده باشد وضع لطف کارانه وبا کسی که بخوبی کار نتوانسته بالعکس معامله خواهم کرد.این وقت چون بصورت علنی خطائی از شما ندیده ام ولو بعضی اطلاعات خفیه دارم اما چندان اعتنائی بآن نمیدهم، لذا میخواهم با همه دست بدهم بکسی اجازه نیست که دست یا پای مرا بوسیده برچشم بمالد زیرا منهم مانند شما یک بندهٔ عاجز خدا هستم.

بروز دوم ورود خود [سه شنبه ۲۰ میزان ۱۳۰٤ش]، مجلسی از مصاحبان ومعین ها کاین کرده مفتشین هرشعبه را تعیین وپروگرام مواد تفتیشیه را ترتیب وهدایات لازمهٔ شفاهی برای مفتشین افهام نمودم واحکام دادم سراز فردا به تفتیش شعبات مرجوعهٔ خودشان بپردازند.

تا سه چهار روزیکه مفتشین به تفتیش اشتغال داشتند به وارسی بعض کارهائیکه نائب الحکومه [محمدسرورخان] بحضور می آورد می پرداختم، اما چون عرائض نائب الحکومه آنقدرها نبود که میتوانست وقت مارا بالتمام مصروف دارد، زیرا وضع نظامات وقوانین بی ترتیبی ها وبندش های فضول را در اجراآت مامورین لله الحمد مندفع ساخته هرکار برمحور خود منتظماً می چرخد لذا اوقات فاضله را بخواندن راپورها واطلاعات خفیه بسر می آوردم ونمی گذاشتم اوقات بدون

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

مصروفیت ضایع شود.

بروز چهارشنبه ۲۱ میزان اهالی قندهار را بحضور طلب داشته مامول مسافرت خود را به قندهار برایشان چنین بیان کردم:اولاً مقصدم از آمدن به قندهار تشرف به خرقهٔ مبارکه وباز ملاقات نمودن با شما ومعلومات کردن از احوال شما عزیزان بوده است، ضمناً خواستم کار روائی های مامورین را نیز تفتیش واز صورت اجراء نظامنامه های دولتی که در تدوین آن خون جگر خورده ام اطلاعاتی حاصل کنم. بعلاوه این امر را نیز معلوم سازم آیا کدام قوم وکدام قبیله از اقوام عزیزم در اطاعت نائب الحکومه صاحب ودیگر مامورین دولت بیشتر کوشیده رضائیت مرا حاصل کرده توانسته است وچه طور اشخاص در مقابل امر حکومت مقامی تکاسل ورزیده ویا اطاعت نکرده تا از اوشان بازخواست شود...» (سلطنت امان الله شاه،بخش ۱،ص ۳۳۰-۳۳۱)

درین روزها کار تفتیش مامورین سردست رفقای ماست بعد از ختم تفتیش خودم بالذات در آن امور علم آوری وپس از آن درباری منعقد داشته از حسن وقبح مامورین دولت وخوبی وخرابی رعیت بشما توضیحات خواهم داد. عرض هائیکه تعلق بحضور خود من دارد ومواد آن در اعلان نشر گردیده است بتوسط شاغاسی حضورم [محمدیعقوب خان]، بمن بنمائید که جوابات قانونی آنها را بگویم.

بعد چهار روز تفتیش ها بالترتیب صورت اکمال گرفته تفتیش هرشعبهٔ که اتمام می یافت مفتشین همان شعبه بحضور آورده مطالعه میفرمودم ویادداشت ها واحکام لازمه در موارد مختلفه اصدار مینمودم ونیز پس از مطالعه صورت تفتیش بالذات بهمان اداره رفته معاینات خصوصیه در اطراف کارهای آن اداره علاوه بر تفتیش مفتشین نموده ملاحظات خود را ضمیمهٔ یادداشت میکردم. باین نهج تفتیش همه دوائر قندهار از مطالعهٔ حضورم گزارش یافته بعد انقضای سی وسه روز خاتمه یافت.

بروز شنبه ۲۲ عقرب [سال ۱۳۰٤ش (١٤ نومبر ۱۹۲۵ع]، در خاتمهٔ تفتیش وتعیین اصلاحات مجمعی بزرگ راجع بمکافات ومجازات از کارکنان واهالی آنجا ومامورین همرکاب منعقد داشته حاصل ونخبهٔ تفتیش را بیان فرمودم واشخاصی را که ادای فریضهٔ خود شانرا موافق به نظامات موضوعه ایفا کرده بودند مورد مکافات وافرادی را که در اجرای وظائف خویش بی مبالاتی نموده بودند مستلزم مجازات قرار دادم.

هر چند در احیان فرصت کافهٔ ایالات محروسه را بالاصاله بمثابه قندهار تفتیش خواهم نمود ولی عجالتاً نخواستم عوائد این تفتیش ما تنها بقندهار منحصر مانده اثر وفائدهٔ آن بدیگر ایالات محروسهٔ ما اصابت نکند بناءً علیه احکام فرمودم صورت تفتیش ایالت قندهار با اجراآت واصلاحاتی که حضورم در امور آن دیار احراز نموده، با نطق هایی که بروزهای جمعه در خطبه وکذا در موارد دیگر ایراد فرمودیم ملفقاً مدون ومنطبع شود تا ایالات سائرهٔ محروسه از مطالعهٔ آن استفاضات نموده باصول تفتیش و وارسی ما بامور ملتفت گردند وآنرا سرمشق ولوحهٔ اجراآت خود سازند".(سلطنت امان الله شاه،بخش ۲، ص۳۳۰-۳۳۳)

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

***

معلوماتیکه از مدیر معارف گرفتم همین یک چیز را افاده میکرد که اهالی عموماً به مکاتب ذوق ندارند ومکاتب را بنظر استحسان نمی نگرند. علت این امر را دوچیز یافتم: یکی اینکه عموم اهالی تاکنون از عوائد ومفاد معارف باصول جدیده نفهمیده خیال دارند که رفتن بچه در مکتب واز نفوس در عسکر یک معنی دارد. زمامداران حکومت در رفع این اشتباه اهالی هیچیک تجویز عملی ابراز نداده اند وخیالات اقدس ملوکانه را نسبت بتأسیس مکاتب بعموم فهمانیده نتوانسته اند....

دیگر اینکه بعضی از ملاها وریش سفیدان پروگرام مکتب را بخیال خود ناقص میدانند، تعلیم جغرافیه وریاضی را فضول میشمارند ومردم را دل سرد میسازند.اگر ازطرف حکومت محلی یک سعی وهمت در ارتقای معارف مبذول شود، مکاتب قندهار بهترین ومترقی ترین مکاتب افغانستان خواهد گردید.

اعلیحضرت غازی در سلسلهٔ نگارش احکام ونظریات خود از حکام وارباب ادارات وموسفیدان وملاهای قندهار بر مزد اشارت و شکایت زیاد نموده وعدم پیشرفت مکاتب قندهار را از عدم توجه آنان دانسته است ومیفرماید: "دیدم که اگر مردم قندهار بمکاتب رغبتی ندارند ویا در ادخال اطفال خودشان در مکاتب رضائیتی نمی کنند فقط به سببی است که تاکنون از عوائد ونتائج مفیدهٔ مکاتب چیزی نفهمیده اند بل درین زمینه تفهیماتی ندیده اند. ازین رو اولاً، بغرض تفهیم عموم ودرجه بودن مکاتب از هر موقع استفاده نموده بیانات لازمه ونطق های مبسوطه چه بروز جمعه بر منبر وچه در اوقات تفریح وسیر فرمودم تا انکشافات فکری نسبت به حتمیت وپاداش مکاتب برای شان حاصل آید وهمچنان شد. ثانیاً، امر دادم فرمانی بمضمونی که ذیلاً درج میشود برای کافهٔ مامورین عسکری وکشوری وخوانین دولت علیه نگاشته آید تا همگان در راه ترقی وپیشرفت معارف وطن سعی وهمت نمایند. ثالثاً، برای تشویق طلبه وحاضر بودن در مکاتب مبلغی از پول نقداً انعام کردم، کذا برای یکصدوسی نفرطلبهٔ که جدید برای مکاتب جلب واز ملاحظهٔ حضورم گذشتند نیز مبلغی اعطاء واین تجاویز نتیجهٔ مطلوبه را حائز گشت. (پوپلزائی، سلطنت امان الله شاه، بخش۲،ص۳۳۵-۳۳٦)

سخنان اعلیحضرت درباره علم ومعارف:

"امر معلوم است که حصول رضای حضرت باری عزاسمه و رسیدن بمراتب عالیهٔ ترقی بدون کسب علم وهنر امکان ندارد وبرعکس جهل ونادانی حیات یک ملت را خراب وتباه میگرداند دولتی که افراد تبعه اش با علم نیستند محافظهٔ حقوق مشروعهٔ خود را کرده نمی تواند. عزت ملیه جز در سایهٔ علم وعرفان حیات ندارد وشرف دولت جز بهمت افراد متفنن ودانا قائم نمی ماند. کذا این امر نیز ظاهر است که وسائل تحصیل عرفان همین مکاتب اند که از ابجد خوانی آغاز کرده تا بدوره های عالی تعلیمات علمیهٔ دینیه وفنیه میرسد، ازین روست که این خادم علم وعرفان تعمیم مکاتب را در

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

خطهٔ مقدسهٔ وطن عزیزم لازم دانسته بهرکجا که مناسب دیده شد تأسیس مکاتب را بعده لازمه احکام فرمودم وبرای تأمین مفاد دینیه ودنیویهٔ ملت خویش پروگرامی یعنی نصاب تعلیمی ترتیب وبعد تصویب دانایان وفضلای وطن بساحت اجراء گذاردم تا بخواست خدای متعال عموم اطفال خطهٔ پاک افغانستان از مسائل وتکالیف دینی ودنیوی خویش آگاه گردیده در راه دولت اسلامیهٔ خود خدمات مقبوله اجراء دارند. مساعی عموم اولیای اطفال در این راه لازمی وصرف همت نمودن در تعلیم اطفال شان از فرائض اسلامی است بناءً علیه شما را حضورم احکام میفرماید که در ترقی عرفان وطن وتشویق اهالی در فرستادن اطفال خویش بمکاتب همت ورزید وباکمال جیادت در مقام تأمین سعادت اولاد خود برآیید تا استقبال وطن از یمن غیرت اسلامیهٔ شما مشعشع ونسل های آینده ازین اقدامات ترقی پرورانهٔ تان متمتع گردند. هر قدر درین راه بکوشید همانقدر رضائیت حضور مرا فائز خواهید گردید وبرخلاف اگر برای پیش برد این اراده ام صرف مساعی نورزیده برای ترقی معارف وطن اعنی صاحب علم گردانیدن اطفال خویش خدمت وفعالیتی بروز ندادید همانقدر مورد ناخوشنودی ونارضائی من واقع خواهید شد".

بغرض توسیع مکاتب قندهار فیصد یک روپیه بر محصول مال التجارهٔ تجار که قبلاً فیصد ده پیسه اعانه میدادند تعیین فرمودیم که باین حساب تنها اعانهٔ که از محصول مال التجاره گرفته میشود بتفاوت سال تخمیناً **یک لک وپنجاه هزار روپیه** میگردد. همان قدر پولی که برای تأسیس وادامهٔ یک مکتب رشدی لازم می ِآید از مبلغ مزبور سواء نموده باقیمانده را در بودجهٔ مکاتب ابتدائیه منظوری دادیم.(پوپلزائی، ج۲، ص ۳۳٦-۳۳۷)

شاه در پایان تفتیش ولایت قندهاربه وکلاوخوانین وریش سفیدان قندهار فرمود:« در معارف از حد زیاد بکوشید و برآتیهٔ اولاد خود رحم کنید و آن نصائح را که مکرر درموضوع تحصیل علم وعرفان برای تان کرده ام از گوش تان نکشید. به سببی که فردا مع الخیر از نزد شما میروم لهذا رسماً باهمهٔ شما وداع میکنم درین اقامت **سی وپنج روزهٔ** خود به قندهار محبت و گرمجوشی های بسیاری را از شما نسبت بخود ملاحظه کردم و بعد یک سلسله بیانات گفت: الهی افغانستان را سبب ترقی عالم اسلام و ملت عزیزم قندهار را سبب اتحاد و اتفاق و ترقی افغانستان بگردانی . الهی این خادم عاجز افغانستان و تمام ملت افغان را چنان توفیق رفیق گردانی که برای عالم اسلام خصوصاً افغانستان خدمات درستی درین دنیا انجام داده و در ان دنیا در جملهٔ خدام نیکنام افغانستان و اسلام بشمار بروم. و عموم را مخاطب قرار داده گفت: از دور چشم های پر از اخلاص و وفای شما را بوسیده همهٔ تان را بخدا می سپارم .»(پوپلزائی، سلطنت امان الله شاه،بخش ۲،ص۳۷۲)

مالیه راغم نگوئید!

اعلیحضرت درخصوص مالیه خطاب به وکلای جرگه: « قراریکه شنیده شده ،شما اهالی قندهار مالیاتی را که بصورت زکوة برای بیت المال اسلامی میدهید، «غم» میگوئید. واکثریه در گفت وشنید ومحاوره یکی از شما برخاسته میگوید که من غم خود را داده ام، ودیگری اظهار میکند که غم تا حال

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

بذمهٔ من باقیست، سومین بیان میدارد که من یک حصه غم را تحویل و در صدد سپردن مابقی آنم. اینکه شما برمالیه غم نام گذارده اید یک غلطی بزرگیست . مهربانی کرده بعد ازین مالیه را غم نگوئید و مانند دیگر نقاط افغانستان شما هم زکوة حاصلات زمین و باغ های تان را که به بیت المال اسلامی برای حفاظت دین و ناموس خود می سپارید ، مالیه بگوئید.

بدانید که این وجوه مالیاتی که در بیت المال جمع آوری میگردد تماماً برای رفاه و آبادی و آرامی خودتان صرف می شود و یک حبه و دیناری ازان رامن عاجز که بحکم وارادهٔ خداپادشاه تان میباشم برای شخصی خویش صرف نمی کنم ، بلکه خودم را برای پیسه بیت المال شما مانند یک تحویلدار می انگارم . حرامم باد اگر یک پیسه از آن را خرج ذاتی خویش رسانده باشم و یا بعد ازین برسانم .

شما خواهید گفت در صورتیکه دیگرسلاطین افغانستان از همین بیت المال برای مصارف شخصی خود پول می گرفتند ، پس شما چرا ازین حق مشروعهٔ خویش صرف نظر میکنید ؟ در جواب شما میگویم که: من هیچ آرزومند نیستم که از بیت المال مخارج خود را بگیرم . اینقدر هستی از خود دارم که از ان گذارهٔ خود را کرده بتوانم . وعارم می آید که مزد خدمت ناچیز خود را از بنده بخواهم. اگر در خور مزدوری باشم همانا که خدایم مرا بی مزد و اجر نخواهد گذاشت . افسوس می کنم شما پولی را که به بیت المال می پردازید و همان پول بصورت توپ وتفنگ و طیاره وعسکر برای حفاظت دین و وطن و ناموس شما بخرج میرسد و بواسطهٔ همان مبلغ قوت و عظمت تان مستحکم میشود چرا «غم» میگوئید. بعد ازین به شما امر و توصیه میکنم که مالیات را غم نگوئید اگر گفته بودید البته که جزا خواهید دید . (پوپلزایی، سلطنت امان الله شاه صص۳۵۴-۳۵۳)

پوپلزائی باز از قول شاه مینویسد؛« مالیات شما را محض بخاطر داری و آسایش شمایک تخفیف درست دادم درین مورد حاجت گفتار بسیار ندارد ازین مبحث ما و شما بروز جرگه فراغت یافته ایم . مسئله ای که فی الحال قابل یاد آوری است همانا پول سرانه است که سابق برین از برادران شما غلجائی های قندهاری گرفته میشد چون من درانی و غلجائی را بیک نظر می بینم سر از امروز این مالیات را بر آنهابخشیدم.»[این موضوع راغیراز پوپلزائی مورخین دیگرافغان چون حبیبی، غبار،فرهنگ،کاتب وکهزادو غیره ذکر نکرده اندکه غلجائیهای قندهارتا سفرشاه بقندهار درسال۱۳۰۴ ش مکلف به پرداخت مالیات سرانه بوده اند.به نظرمیرسد که این مالیات را امیرعبدالرحمن خان بعداز قیام غلجائی ها برضدامیروسرکوبی شان برآنها تحمیلکرده باشد.]

باز میگویم که مالیات خود را بعد ازین غم نگوئید بلکه ندادن آنرا می باید غم بگوئید که از یک طرف دولت شما خدانا خواسته کم قوت میشود و از جانب دیگر شما به نزد حکومت خویش در صورت ندادن آن خجالت زده میشوید و دچار کش محصل میگردید.

اعلیحضرت بعد در خصوص تحصیل وجه باقیات و افراد خود غرض حرف ها زد و بعض طومار ها را در محضر عموم پاره کرده عده ای از افراد رساله را برای تحصیل باقیات در قندهار

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

گذاشت و فرمود تحصیل باقیات کار قوماندانی کوتوالی و مسئولیت آن هم قاعدتاً برذمت اوست. این افراد نظامی را با محمد نعیم خان نائب سالار بصورت قوت الظهر برای قوماندان کوتوالی می گذارم تا مال دولت را از آنها تحصیل کنند بعد ازینکه کار تحصیلی یک قوام نظامی درستی را حاصل کرده البته که محمد نعیم خان به همراه عسکرمعیت خود بکابل خواهند آمد.

شما خواهید گفت که سابق برین چرا آن پول باقیاتی را که ملت قبول دار و برمالیات خویش ریزش نموده حکومت منظور کرده ،میگویم که آن مبلغ عبارت از وجوهی بود که برخود شما و دیگر افراد ملت بیچاره ام از خیانت و خود غرضی کار داران و ملکان شان در دفتر باقی بود و تحصیل آن اسباب پریشانی و زحمت اکثریت ملت محبوبم را تولید میکرد ، لهذا آنرا بصورت ریزش بعد از قبولی و عرائض شما منظور نمودم و این باقیاتی است که برذمهٔ کارداران خائن و تجار غابن و اشخاصی که بریختن خون شما و خوردن پول بیت المال عادی شده اند، می باشد و گاهی آرزو ندارم که بار کار داران و باقیات دهان را در صورتیکه خود آنها صاحب جایداد و هستی باشند ، بر شما بیندازم بلکه بهر صورتیکه باشد میخواهم که این باقیات را از خود شان تحصیل کنم.(پوپلزائی، ج۲، ص ۳۶۶)

پوپلزائی مینویسد که«اعلیحضرت شاه غازی، برای تفتیش مستوفیت قندهار، محمدسرورخان مدیر محاسبهٔ عمومیهٔ وزارت مالیه ومیرزا محمد مهدی خان،منشی حضور را مقرر وپروگرام تفتیش را بقرار ۱۴مواد تعیین فرمود.دونفرمذکور نتائج تفتیش وتحقیق خود را بحضور اعلیحضرت غازی تقدیم کردند. آنها متذکرشده بودندکه نظر به تحریر مستوفیت قومی که در چند سال مالیه خود را نپرداخته باشند در قندهار نیست، غیر از مردم بارکزائی سکنهٔ مرکز ومحالات قندهار که از عهد سلطنت اعلیحضرت ضیاء الملهٔ والدین تا سنه ۱۳۰۰مالیهٔ شان بجایگیر تنخواه شان مجری شده و از سنه ۱۳۰۱ تا سنه۱۳۰۴ که به تخت نظامنامهٔ مالیه است دولک ودوازده[۲۱۲۰۰۰] روپیهٔ نقد، سه هزار وشش صد وسیزده [۳۶۱۳]خروار غله - دوصد وچهار خروار گندم مالیات شان باقیست که در سنه ۱۳۰۱ حاجی خدایارخان وغیره وکلای آنها بکابل جهت تصفیه رفته بودند مشارالیه در آنجا فوت شده فقرهٔ مزبوره تصفیه نگردید وهم مامور مالیهٔ گرمسیر ودهراود در سنه ۱۳۰۱ بماه سنبله - عقرب عرض کرده بودند که مردم مالیهٔ هذا السنهٔ خود را نمیدهند، فقرهٔ مذکور را مستوفیت بحضور محمد سرورخان نائب الحکومه عرض کرده بود....»

شاه بجواب مفتشین مذکور چنین احکام داد: **باید باقیات ومالیات قندهار حسب ذیل تحصیل شود.**

*-ذمگی اشخاصیکه با اوشان ازطرف حکومت قسط شده است و در رسانیدن اقساط غفلت کرده اند پول اقساط بسر رسیدهٔ سنوات گذشته وهذه السنه تماماً با اضافهٔ ده را دو بطور جریمانه تحصیل شود.

*-باقیاتیکه قسط نشده واسامی مذکور نرسانیده اند: هرقدر باقی از درک مالیات باشد نظر به نظامنامهٔ مالیه معه جریمه تحصیل شود. باقیاتیکه تعلق به تصفیهٔ ماضیه دارد بمواد نظامنامهٔ آن تطبیق وبمحل

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

اجراء گذارده شود برای حصول باقیات مرکز یک عده از نفری عسکری همرکابی معین شد تا قانوناً بذریعهٔ ادارهٔ که کار تحصیلی بآن مفوض است تحصیل شود.

نظربعرض ودرخواست وکلای ملت که علاوه بر تسعیر بولک وریزش باقیات یک لک رپیه در بست مالیات خودها متقبل شده اند چهل هزار روپیهٔ آن مراعاتاً معاف وباقی حکم حصول داده شد تا مالیات را قرار تسعیر بولک وقسط ماه میزان را به اول جدی وباقی اقساط را به میعاد معینه بخزاین حکومت تحویل بدارند ونیز جریمهٔ ماه میزان هم از سببی که تاکنون مسئله بست تمام نشده بود وحال به تصفیه انجامید مراعاتاً معفو شد.»

هیأت در خصوص فروش املاک قندهار که خلاف نظامنامه در زمان ریاست تنظیمیه صورت گرفته اعتراضات داشت. اعلیحضرت غازی بجواب آن فرمود: چون اکثر خریداران املاک سرکاری در رسانیدن پول اقساط ومالیه غفلت کلی کرده بودند امر دادم که اگر تا اخیر ماه قوس تمام اقساط گذشته وهذه السنه را با ده را دوجریمانه وبریک ونیم مالیه تحویل کردند ملک از نزدشان گرفته نشود واگر تا موعد مزبور نرسانیدند زمین استرداد وقباله های شرعی ابطال کرده شود. آنچه وجه تحویل کرده باشند اولاً عوض بریک ونیم مالیات وثانیاً عوض دیگر درکات که باقی ده باشند وضع متباقی از خزانه پس داده شود.»(پوپلزائی، ج۲،ص۳۴۱)

ادامه دارد

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ